

دوشنبه 26 مرداد 1388

نامه سرگشاده پری برکشلی، موزیسین ایرانی در فرانسه به سران دولت‌های آزاد و دموکراتیک



نیویورک، ۱۵ آگوست ۲۰۰۹

شهروند فرانسوی ام، پیانیستم و کنسرتیست، استاد پیانو و رئیس یک کنسرواتوار در فرانسه.

اصل و نسبم ایرانیست و وقایع اخیر ایران بیش از هر چیز برایم تکان دهنده بوده است. در تظاهرات اخیر پاریس برای همبستگی با ایرانیان مقیم کشور شرکت جسته‌ام و حال که به نیویورک برای اجرای کنسرتی آمده‌ام، در تظاهرات نیویورک هم شرکت کرده‌ام و وظیفه خود میدانم که از تمام کسانی که میتوانند ایرانیان را در مبارزه خود علیه زور، خشونت، بی عدالتی و عدم رعایت حقوق بشر کمک کنند، مدد بخواهم.

ملت ایران نه تنها بر ضد یک تقلب انتخاباتی برخاسته بلکه به مقابله با یک رژیم خودکامه و دیکتاتور منش بر آمده است. رژیمی که عدالت و داد خواهی را به مسخره گرفته، خفقان و سانسور را به نهایت درجه رسانده، خشونت و شکنجه را بیش از پیش رایج و همگانی کرده و حقوق بشر را بکلی زیر پا گذاشته است. و حقوق زنان که به هیچ انگاشته میشود ...

ملت ایران روحا و جسما درد میکشد. در تظاهرات اخیر تهران بیش از ۳۰۰ کشته داده. هزاران نفر بخاطر هیچ و پوچ دستگیر و زندانی شده اند. زندانیان را شکنجه میکنند که از آنها اعترافات دروغ بکشند، اعترافاتی به نفع رژیم. هم اکنون شاهد دادگاه‌های دسته جمعی ۱۰۰ نفره هستیم، دادگاه‌هایی که روی دادگاه‌های استالینی را سفید کرده اند و اوج بدترین دوره‌های استالینی را به یاد می‌آورند. شرایط زندان‌ها و شکنجه زندانیان، از زندان گونتنامو و زندان ابوقریب هم بد تر است و چه گوئیم از سانسور و اختناق ... موافق رژیم نبودن و یا فقط در تظاهراتی شرکت کردن یعنی دستگیر شدن، زندان رفتن و شکنجه شدن. هیچ خبرنگار خارجی حق ورود به ایران را ندارد. هیچ خبری جز آنچه از صافی سانسور گذشته پخش نمی‌شود.

با وجود همه اینها مردم مقاومت میکنند، به قیمت کشته و دستگیر شدن به خیابان‌ها میریزند، هر شب از پشت بام‌ها با بانگ "مرگ بر دیکتاتور" و "الله اکبر" شهرها را به لرزه در می‌آورند.

در شرایطی این چنین من خجلت زده خواهم بود اگر این اهانت به بشریت و خشم و درد عمیق خودم را بیان نکنم.

در سال ۱۹۵۳، آیالت متحده امریکا با دخالت در ایران سبب سرنگونی دولت مصدق شد و شاه را به ایران باز گرداند. در ۱۹۸۰، دول غرب با پشتیبانی از صدام حسین و فروختن اسلحه به عراق، حکومت خمینی را مستحکم تر کرده، غرور ملی را، که حمل بر محبوبیت ملایان شد، بر انگیختند. به طور کلی، در سالهای گذشته، موقعیت‌های متعددی پیش آمد که غرب بخاطر منافع خودش و بخصوص بخاطر ثروت نفت ایران با خواسته‌های ملی و مردمی ایران ستیز کرد و به نحوی به سرکوبی آنها کمک نمود.

برای یک بار هم که شده، آیا هنگام آن فرا نرسیده که به این ملت کمکی شود؟

کمک به ایران حمله نظامی به ایران برای سرنگون کردن رژیم و به اصطلاح آوردن دموکراسی نیست. استقرار دموکراسی در ایران مساله فقط ایرانیان است که باید تصمیم بگیرند و به آن اقدام کنند، نه دیگران.

اما، کشورهای آزاد و دموکراتیک که مدعی احترام به حقوق بشر و حقوق زنانند، میتوانند تصور کنند که ملت‌های دیگر، حتی ملت‌های خاور میانه هم میتوانند چنین خواسته‌هایی داشته باشند.

دولت‌های آزاد و دموکراتیک باید وظیفه انسانی و اخلاقی خود بدانند که به ملت‌های دیگر در مبارزه‌شان برای استقرار دموکراسی در مملکتشان یاری دهند.

ملت ایران به مبارزه علیه خودکامگی و دیکتاتورمنشی بر خواسته. جای آن دارد که کمک شود:

- رژیم فعلی ایران باید رژیمی نا مشروع شناخته شود.

- شرکت سران دولت ایران در مجامع بین المللی، از احمدی نژاد گرفته تا آخرین وزیر آینده اش، باید تحریم شود.

- کلیه روابط دیپلماتیک و تجاری با ایران قطع گردد.

در این صورت خواهیم دید در صد موافقین این رژیم به چند تقلیل خواهد یافت ... و آیا باز هم کامیون‌های مملو از ۱۸/۵ میلیارد دلار پول نقد و طلا به راحتی از ایران خارج خواهند شد که توسط مامورین ترکیه توقیف شوند؟ این پول‌ها از آن کیست؟ آیا متعلق به ملت ایران نیست که به این راحتی از مرز خارج میشود و سرکرده‌های دولت به تاراج میبرند؟ آری، این رژیم علاوه بر همه "محسنات" دزد هم هست انچنانکه هیچ رژیم دیگری به پایش نمیرسد. من فقط به نام خودم مینویسم و به هیچ حزب یا دار و دسته‌ای متعلق نیستم. ولی به خود این اجازه را میدهم که روسای کشورهای دموکراتیک را مورد خطاب قرار دهم. به آقای اوباما، رئیس جمهور آمریکا، که در تبریک سال نو به مردم ایران این بیت زیبای شعر سعدی، "بنی آدم اعضای یکدیگرند" را خواند، میگویم:

یکی از این اعضا مجروح شده و درد میکشد!

- به ملت ایران نشان دهید که این گفته‌های شما کلماتی خالی از معنی نیست و خطاب شما به مردم بوده نه به دولتیانی انتخاب نشده، با تقلب انتخاب شده، دزد و متجاوز به حقوق بشر.

- همبستگی تان را با ملت ایران نشان دهید نه با فرستادن ارتشتان به ایران - میدانم که چنین قصدی ندارید - ولی به عنوان نمونه با قطع کلیه روابط تجاری تان با ایران. یک بلوکوس سیاسی تجاری با دولت ایران به وجود آورید. و مهم نیست اگر در این صورت ایران باز هم بیشتر به داد و ستدهای تجاری خود با کشورهای دیکتاتوری ادامه دهد. به دبیر کلی سازمان ملل میگویم چرا دولت ایران را، به خاطر خشونت‌هایی که توسط پاسداران، بسیجی‌ها و لباس شخصی‌هایش انجام میدهد، به استیضاح نمیکشید؟ مگر کمیسیون حقوق بشر وجود ندارد؟ مگر این کمیسیون نمیداند در ایران کلیه حقوق بشر، از حقوق فردی گرفته تا حقوق اجتماعی، زیر پا گذاشته شده است؟ پس چه می‌کند؟ خطاب من به رئیس کمیسیون اروپاست و هم چنین به سران تمامی کشورهای اروپایی. از اینکه آقای اوباما، خانم مرکل و آقای سارکوزی، رئیس جمهور شدنش را به آقای احمدی نژاد تبریک نگفتند بسیار خوشوقتم. ولی آیا این کافیهست؟

من از کلیه کشورها بخصوص از فرانسه، مهد روشنیها و حقوق بشر، کشوری که به عنوان وطن دومم انتخاب کردم، انتظارات بیشتری دارم.

حق و حتی وظیفه دخالت در امور کشوری دیگر را، که هنگام حمله به عراق آنقدر سر زبانها بود، من اینچنین میفهمم.

پری برکشلی

pari.barkeshli@mac.com